

مقایسه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و دلبستگی در فرزندان سالمندان ساکن در سرای سالمندان و نزد خانواده

شهرزاد ذوالقدر^۱

دکتر محمد اسماعیل ابراهیمی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال مقایسه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و دلبستگی در فرزندان سالمندان ساکن در سرای سالمندان و نزد خانواده می‌باشد. این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است و جامعه مورد پژوهش را فرزندان سالمندان ساکن سرای سالمندان و نزد خانواده در شهر تهران در سال ۱۳۹۲

^۱ - کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه علوم و تحقیقات قزوین، قزوین، ایران.

^۲ - دکترای روان شناسی عمومی، عضو هیئت علمی گروه روان شناسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان،

تشکیل می‌دهد. به منظور انجام پژوهش تعداد ۹۴ نفر از فرزندان سالمندان نزد خانواده و ۶۰ نفر از فرزندان سالمندان ساکن در سرای سالمندان تهران که به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند به دو پرسشنامه، پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده (PSQ) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (AAQ) پاسخ داده‌اند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آماری آزمون خی دو و تی هوتلینگ استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد سبک‌های فرزندپروری ادراک شده سهل‌گیر و مقتدر بیشتر با حضور والدین سالمند در خانواده مرتبط می‌باشد و میان سبک‌های فرزندپروری ادراک شده مستبد و سهل‌انگار (بی‌اعتنا) فرزندان و حضور والدین در سرای سالمندان رابطه بیشتری وجود دارد. همچنین فرزندان سالمندان مقیم در سرای سالمندان نسبت به فرزندان سالمندان نزد خانواده، بیشتر دارای سبک‌های دلبستگی نایمن دوسوگرا و دلبستگی ایمن بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، سبک‌های دلبستگی، سالمندان

مقدمه

امید به زندگی برای جهانیان از مرز ۶۶ سال عبور کرده است. هر سال ۱/۷ درصد به جمعیت جهان افزوده می‌شود و این درحالی است که این افزایش برای جمعیت ۶۵ سال و بالاتر ۲/۵ درصد می‌باشد و این فاصله ترکیب جمعیت جهان را رو به سالمندی سوق می‌دهد (باستانی و ذکریایی سراجی، ۱۳۹۱).

در کشور ایران نیز با توجه به روند جاری تغییرات جمعیتی پیش‌بینی شده است در حدود سال ۱۴۱۰ شمسی پدیده انفجار سالمندی رخ دهد و بین ۳۰-۲۵ درصد جمعیت کشور در سنین بالای ۵۰ سال قرار گیرند.

این افزایش جمعیت سالمندی به یک نگرانی مشترک جهانی مبدل گشته است که نیازمند بررسی و کسب اطلاعات جامع، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های اجرایی مناسب در کلیه سطوح کشوری، محلی، خانوادگی و فردی است (صادقی، ۱۳۹۰).

در کشور ما نیز با توجه به روند رو به رشد جمعیت سالمندی، نیاز به تحقیق و بررسی مسائل مربوط به این حوزه در راستای اخذ و به کارگیری راهکارهای مناسب جهت مواجهه با پیامدهای آن، بیش از پیش به چشم می‌خورد. یکی از مسائل مطرح در حوزه سالمندی مسئله نگهداری از سالمند در

مراکز نگهداری یا نزد اعضای خانواده می‌باشد. تحقیقات بسیاری نشان می‌دهد سالمندانی که با خانواده زندگی می‌کنند در مقایسه با سالمندان مقیم خانه سالمندان از سلامت بیشتری برخوردارند چرا که حضور در کنار خانواده، از یک سو با چتر حمایتی و عاطفی افراد خانواده همراه است و از سوی دیگر سبب روابط اجتماعی مفید و تأثیرگذار فرد سالمند، با اعضای خانواده، دوستان و آشنایان وی می‌شود که این مساله در حفظ سلامت روانی افراد سالمند بسیار مفید و کارآمد است (مومنی و کریمی، ۱۳۸۹).

حال در راستای دستیابی به دلایل احتمالی موثر در تصمیم‌گیری فرزندان درباره‌ی نگهداری از والدین سالمند در نزد خانواده و یا سپردن نگهداری از ایشان به سرای سالمندان با نگاهی مو شکافانه‌تر به روابط درون خانواده می‌پردازیم. نهاد خانواده جامعه نسبتاً کوچکی را تشکیل می‌دهد که هر یک از اعضای آن به نحوی بر دیگری تأثیر می‌گذارد. در چنین تأثیر متقابلی، مجموعه‌ای از اعتقادات، آداب، رسوم و ارزش‌های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی شکل می‌گیرد. رشد کودکان در این نهاد نیز بیشتر متأثر از همین ارزش‌گذاری‌ها و گرایش‌های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی است. روابط کودک و والدین و سایر اعضای خانواده، چون شبکه و نظامی در هم پیچیده است که افراد آن در کنش متقابل با یکدیگرند (خوئی نژاد و همکاران، ۱۳۸۶). رابطه والد و فرزندی نیز رابطه‌ای دو سویه است که اهمیت تأثیر آن بر جنبه‌های مختلف زندگی فرد، بر هیچ کس پوشیده نیست و همانطور که می‌دانیم در رابطه والد و فرزندی، فرزندپروری و دلبستگی دو مقوله پراهمیت و تأثیرگذار می‌باشد که بر ابعاد مختلفی از زندگی و رفتار فرد در دوره‌های مختلف حیات وی تأثیری عمیق و شگرف دارد.

برک (Berk, 2001) دلبستگی را اینگونه تعریف می‌کند: دلبستگی عبارت است از پیوند عاطفی عمیق که با افراد خاص در زندگی، فرد برقرار می‌کند طوری که باعث می‌شود وقتی با آنها تعامل می‌کنیم احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از اینکه آنها را در کنار خود داریم احساس آرامش می‌کنیم و هازان و شیور (Hazen & Shaver, 1998) به نقل از پورعبدلی و همکاران، ۱۳۸۷ بر این عقیده‌اند که انواع سبک‌های دلبستگی که فرد در دوران کودکی تجربه می‌کند بر سبک‌های عشق ورزیدن وی در بزرگسالی تأثیر می‌گذارند. فرزند پروری نیز به شیوه‌ی غالب بر تربیت فرزند از سوی والدین اشاره دارد و بر چگونگی رشد و تکوین شخصیت کودکان تأثیر به‌سزایی دارد. دارلینگ و استینبرگ (Darling & Steinberg, 1993) شیوه‌های فرزندپروری را اینگونه تعریف کرده‌اند: شیوه‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از گرایش‌ها، اعمال و جلوه‌های غیرکلامی است که ماهیت تعامل کودک و والدین را در تمامی موقعیت‌های گوناگون مشخص می‌کند و در سه حیطة اقتدار منطقی، مستبدانه و سهل‌گیر مطرح شده است. سبک فرزندپروری ادراک شده نیز به ادراکی که فرد از سبک فرزندپروری والدین خود دارد اشاره می‌نماید.

از سویی تحقیقات بسیاری به بررسی و بیان اهمیت گسترده سبک‌های دلبستگی و نیز رابطه تعلیم و تربیت و سبک‌های فرزندپروری والدین با جنبه‌های مختلف زندگی فرزندان و ابعاد شخصیتی آنان پرداخته است و از سوی دیگر تأثیر بسزای نقش فرزندان در زندگی والدین می‌باشد که از اهمیتی ویژه برخوردار است که این اهمیت در دوره سالمندی والدین بیش از پیش نمود می‌یابد که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره شده است.

رضازاده و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی رابطه سبک‌های دلبستگی و همسازی زناشویی را در دانشجویان مورد بررسی قرار دادند و نتایج تحقیق نشان داد میزان همسازی زناشویی زوج‌های ایمن بیشتر از زوج‌های نایمن و مختلط (یکی ایمن و دیگری نایمن) است همچنین میزان همسازی زناشویی زوج‌های مختلط بیش از زوج‌های نایمن است.

در پژوهش دیگری که با هدف تعیین تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر میزان افسردگی فرزندان توسط دانش و همکاران وی (۱۳۸۶) انجام شده است نتایج نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و بی‌اعتنا بیش از شیوه‌های قاطعانه و سهل‌گیرانه موجب افسردگی فرزندان می‌شود.

احمدپور (۱۳۸۹) در بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با رشد اجتماعی کودکان پیش دبستانی نشان داد فرزندپروری مقتدرانه بهترین پیش‌بینی کننده رفتار منطقی کودکان محسوب می‌شود و بین سبک دلبستگی ایمن و نایمن و تعارضات آنان نسبت به والدین رابطه وجود دارد و رشد اجتماعی بالا در کودکان با شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین و دلبستگی ایمن رابطه معنادار دارد.

پژوهش‌هایی نیز در زمینه انواع دلبستگی صورت پذیرفته است که از آن میان می‌توان به نتایج حاصل از بررسی رابطه بین دلبستگی ایمن- نایمن با شناخت‌های نا کارآمد دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد اشاره داشت که توسط کیمیایی و گرجیان مهربانی (۱۳۹۱) انجام شد طبق نتایج به دست آمده درنگرش به دیگران، دنیا و آینده تفاوتی معنادار میان سبک‌های متفاوت دلبستگی در دانشجویان مشاهده شد. سبک دلبستگی نایمن-اضطرابی دارای همبستگی مثبت با نگرش منفی به دیگران، دنیا و آینده و سبک دلبستگی ایمن دارای همبستگی منفی با آن بود.

در بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های هویتی نوجوانان که توسط باباپور و همکاران (۱۳۹۱) انجام شد نیز نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری والدین از رابطه و پیش‌بینی مناسبی برای سبک‌های هویتی و تعهد هویتی برخوردارند. فرزندان نوجوان والدینی که شیوه فرزندپروری مقتدرانه دارند بیشتر دارای تعهد هویتی و هویت اطلاعاتی و هنجاری هستند، در

حالی که، فرزندان نوجوان والدینی که شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دارند بیشتر از سبک هویتی سردرگم-اجتنابی برخوردارند.

نتایج پژوهش خوئی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر نیز نتایج نشان داد بین ادراک سبک فرزندپروری مقتدر و احساس تنهایی همبستگی منفی وجود دارد و بین ادراک سبک فرزندپروری مستبد و سهل‌انگار با احساس تنهایی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

رولز، سیمسون و فرایدمن (Rholes, Simpson & Friedman, 2006) ارتباط میان سبک دلبستگی اجتنابی و تجربه فرزندپروری پس از تولد نخستین فرزند را مورد بررسی قرار دادند. ۱۰۶ زوج یک مجموعه آزمون را در حدود شش هفته و سپس شش ماه پس از تولد نخستین فرزند خود تکمیل نمودند. همانطور که پیش‌بینی می‌شد والدین دارای سبک دلبستگی اجتنابی پس از تولد فرزند استرس بیشتری را تحمل نموده و تجربه فرزندپروری را کمتر معنادار و ارضا کننده می‌دانستند.

به منظور بررسی رابطه بین دلبستگی بزرگسالی، فرزندپروری ادراک شده و کارکرد خانواده تحقیقی بر روی نمونه‌ای از دانشجویان ژاپنی توسط کینگ‌بو، ماساهیرو و توشینوری (Qingbo, Masahiro, Toshinori, 2008) انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که فرزندپروری ادراک شده، دلبستگی بزرگسالی و کارکرد خانواده را پیش‌بینی می‌کند. همچنین نتایج نشان داد که کارکرد خانواده در پیش‌بینی دلبستگی بزرگسالی به طور قابل توجهی شکست خورده است. پژوهش مذکور همچنین خاطر نشان ساخت عامل فرزندپروری مادرانه و پدرانه نقش یکسان مهمی در شکل‌دهی سبک‌های دلبستگی بزرگسالی بازی می‌کند.

همچنین پارکن (Parcon, 2011) در نتایج پژوهشی به هدف پیش‌بینی گرایش دلبستگی بزرگسالی از روی سبک‌های فرزندپروری مادرانه و پدرانه در جوانان ۲۰-۳۰ ساله فیلیپینی نشان داد که گرم بودن مادر، اضطراب دلبستگی کمی را پیش‌بینی می‌کند و ناسازگاری پدر، اضطراب دلبستگی بالایی را پیش‌بینی می‌نماید. از طرف دیگر عدم پذیرش از سوی پدر دلبستگی اجتنابی بالایی را پیش‌بینی می‌کند.

میلینگس و همکارانش (Milings, 2011) رابطه مسئولیت‌پذیری را با دلبستگی عاشقانه و سبک‌های فرزندپروری مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش که در آن ۱۲۵ زوج دارای فرزندان ۷-۸ ساله شرکت نموده بودند پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، تحلیل داده‌ها نشان داد که اضطراب و دلبستگی اجتنابی رابطه‌ای منفی با مراقبت مسئولانه در قبال همسر دارد که این مراقبت مسئولانه نیز به نوبه

خود ارتباطی مثبت با سبک فرزندپروری مقتدرانه و ارتباطی منفی با سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌انگارانه دارد.

در مطالب فوق تا حدودی به تأثیر نقش چشمگیر والدین بر رفتار و عملکرد فرزندان اشاره شد، حال در سوی دیگر تأثیر و نقشی است که فرزندان بر زندگی والدین خود دارند که از آن جمله می‌توان تأثیر عمیق رابطه والدین با فرزندان را بر سلامت روانی والدین در دوره سالمندی مطرح نمود.

آمارها نشان می‌دهد که افسردگی یکی از شایع‌ترین اختلالات روانپزشکی دوره سالمندی است، می‌شمار و رابدل بیان داشته‌اند سالمندانی که تماس‌های اجتماعی محدودتری دارند غالباً بخش اعظم وقت خود را صرف فکر کردن به فرزندان دور از خود یا حسرت خوردن برای همسر مرحوم خود می‌گذرانند که انزوایی این چنین می‌تواند منجر به افسردگی گردد (ترجمه گنجی و همکاران، ۱۳۷۳).

در بررسی مقایسه‌ای وضعیت شناختی و افسردگی سالمندان مقیم سرای سالمندان و ساکن منازل شخصی که توسط سهرابی و همکاران وی (۱۳۸۷) انجام پذیرفت نیز نتایج نشان داد اختلال شناختی و شدت افسردگی در سالمندان مقیم خانه سالمندان به طور معناداری نسبت به سالمندان ساکن منزل بیشتر گزارش شده است که با تقویت ارتباطات خانوادگی و برنامه‌های ورزشی می‌توان آن را کاهش داد.

مختاری (۱۳۸۹) در پژوهشی با هدف مقایسه کیفیت زندگی و سلامت روان در سالمندان ساکن و غیر ساکن در سرای سالمندان نتیجه گرفت که کیفیت زندگی و سلامت روان سالمندان ساکن خانه به مراتب مطلوب‌تر از سرای سالمندان است.

لذا با توجه به نتایج تحقیقات مذکور که اهمیت روابط متقابل والدین و فرزندان و تأثیر آن بر ابعاد و زمینه‌های مختلف رفتاری، روانی و شخصیتی افراد را روشن می‌سازد و با توجه به اینکه کشور ما یک کشور جوان است که در آینده‌ای نه چندان دور، دوره سالمندی را تجربه خواهد کرد و همانگونه که پیش از این نیز ذکر شد زندگی در خانه و در کنار خانواده تأثیری شایان توجه بر سلامتی جسمی و روانی افراد سالمند دارد پژوهش حاضر بر آن شد تا در جهت درک بیشتر و بهتر روابط والدین و فرزندان در دوره سالمندی والدین، مقایسه‌ای میان سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و دل‌بستگی در میان فرزندان سالمندان مقیم سرای سالمندان و خانه به عمل آورد و برای نیل به این هدف فرضیه‌های پژوهش از این قرار است:

۱- میان سبک‌های فرزندپروری ادراک شده فرزندان سالمندان ساکن در سرای سالمندان و نزد خانواده تفاوت معنادار وجود دارد.

۲- میان سبک‌های دلبستگی فرزندان سالمندان ساکن سرای سالمندان و نزد خانواده تفاوت معنادار وجود دارد.

روش پژوهش، جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

از آنجا که پژوهش حاضر به منظور دستیابی به نتایج عملی صورت پذیرفت کاربردی بوده و با توجه به این که به دنبال مقایسه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و دلبستگی در فرزندان سالمندان ساکن در سرای سالمندان و نزد خانواده بوده بنابراین روش انجام پژوهش توصیفی- تحلیلی از نوع علی- مقایسه‌ای بوده است. جامعه آماری پژوهش را فرزندان سالمندان ساکن در کلیه سراهای سالمندان شهرستان تهران در سال ۱۳۹۲ و فرزندان سالمندانی که در همین سال در نزد خانواده در شهرستان تهران زندگی می‌کردند تشکیل داده‌اند که با استفاده از نمونه‌گیری چند مرحله‌ای ابتدا به صورت تصادفی منطقه شمال و شمیرانات شهرستان تهران از میان مناطق چهارگانه (شمال، جنوب، شرق و غرب) تهران انتخاب شد و سپس از بین ۱۵ مرکز معرفی شده از سوی اداره بهزیستی این منطقه تعداد ۸ مرکز به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس تعداد ۷۰ نفر از فرزندان سالمندانی که در سراهای سالمندان مراکز مذکور به سر می‌بردند به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند همچنین تعداد ۱۱۰ نفر از افراد ساکن در همین منطقه تهران که از والدین سالمند خود نگهداری می‌نمودند شناسایی شدند و به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند. که در نهایت از میان تعداد نمونه مذکور، ۹۴ پرسشنامه از گروه فرزندان سالمندان نزد خانواده و ۶۰ پرسشنامه از گروه فرزندان سالمندان مقیم سرای سالمندان به صورت کامل و فاقد نقص تکمیل شده و جهت نتیجه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده (PSQ): توسط نقاشان و براساس مطالعات شیفر تهیه شده و دارای ۷۷ ماده است. ماده‌های پرسشنامه براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه ابعاد کنترل- آزادی و محبت- طرد را در روابط والد فرزند می‌سنجد. در بعد محبت- طرد افرادی که نمره آنان بالاتر از میانگین است افرادی هستند که به نظر آنها والدینشان به آنها محبت زیادی می‌کرده‌اند و در بعد کنترل- آزادی افرادی که نمره آنان بالاتر از میانگین است افرادی هستند که به نظر آنها والدینشان آزادی زیادی به آنها می‌داده‌اند. بنابراین برای تعیین چهار سبک فرزندپروری ابتدا میانگین هر یک از ابعاد محبت و کنترل به طور جداگانه محاسبه شده و با

توجه به آن چهار سبک فرزندپروری با مشخصات مقتدرانه (کنترل زیاد- محبت زیاد)، سهل‌گیر (کنترل کم- محبت زیاد)، مستبدانه (کنترل زیاد- محبت کم)، مسامحه‌کار (کنترل کم- محبت کم) بدست می‌آید. ضریب پایایی پرسشنامه توسط سازنده آن ۰/۸۷٪ گزارش شده است (صادقی ۱۳۸۴).

پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور (AAQ): این پرسشنامه یک پرسشنامه خود ارزیابی است شامل دو بخش که در بخش اول براساس مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت آزمودنی در مورد سه توصیف ارائه شده، وضعیت خودش را در مورد میزان تطابقش با هر توصیف که بیانگر یک سبک دلبستگی است مشخص می‌کند و در بخش دوم نوع سبک دلبستگی خود را با توجه به همان سه توصیف ارائه شده تعیین می‌کند. هماهنگی درونی این سه توصیف در حد بالا نشان‌دهنده این است که هر توصیف، موضوع متفاوتی از توصیف دیگر را بررسی می‌کند. ثبات آزمون - آزمون مجدد AAQ برابر ۰/۶۰٪ و برای AAQ ۲ برابر ۰/۷۰٪ (تقریباً معادل با ۲ پیرسون ۰/۴۰) بوده است. در تحقیقی که بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) انجام شد اعتبار آن توسط آزمون - آزمون مجدد روی این نمونه به ترتیب برای دلبستگی اضطرابی/ دوسوگرا، اجتنابی و ایمنی بخش ۰/۷۲، ۰/۵۶ و ۰/۳۷ و میزان آلفای کرنباخ نیز ۰/۷۹ به دست آمد که میزان اعتبار نسبتاً بالایی را نشان می‌دهد (پاکدامن، ۱۳۸۰).

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش با توجه به نوع داده‌ها، در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. بنابراین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، آزمون باکس، آزمون اثر بین آزمودنی، آزمون خی دو و تی هوتلینگ در نرم‌افزار Spss مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

سبک فرزندپروری مقتدر و سهل‌گیر بیشترین فراوانی در گروه مقیم در نزد خانواده، و سبک‌های سهل‌انگار و مستبد، بیشترین فراوانی را در گروه مقیم در خانه سالمندان داشته است. همچنین میانگین‌های دو گروه فرزندان سالمندان ساکن سرای سالمندان و نزد خانواده در سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن دوسوگرا متفاوت است.

برای بررسی تفاوت سبک‌های فرزندپروری ادراک شده در فرزندان دو گروه پژوهشی، از روش Hotelling's t استفاده شده است. پیش از استفاده از این آزمون پیش‌فرض‌های مربوط به آزمون Hotelling's t بررسی شدند.

۱۰۰ / مقایسه سبکهای فرزندپروری ادراک شده و دلبستگی در فرزندان سالمندان ساکن در سرای سالمندان و نزد خانواده

جدول ۱: آزمون باکس برای بررسی همگنی ماتریکس واریانس کوواریانس

Box's M	۶۰.۶۶
F	۱۰۹۹۱
درجه آزادی ۱	۳
درجه آزادی ۲	۷/۱۳۰E۵
معنی داری	۱۱۳

نتایج آزمون باکس نشان داد که پیش فرض همگنی ماتریکس واریانس کوواریانس مورد تأیید است و می‌توان از آزمون مذکور بهره برد.

جدول ۲: آزمون تحلیل واریانس چندگانه به روش Hotelling's t برای بررسی تفاوت میانگین سبک فرزندپروری ادراک شده در فرزندان سالمندان مقیم در سرای سالمندان و ساکن در نزد خانواده

مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معنی داری	جذور ضریب ایتا
Hotelling's Trace	۲.۵۲	a۱۹/۰۳۸	۲/۰۰۰	۱۵۱/۰۰۰	۰.۰۰۰

بر اساس نتایج به دست آمده، تفاوت میانگین سبک فرزندپروری ادراک شده در دو گروه، معنی‌دار است ($F_{2,151}=۱۹/۰۳$ ، $P=۰/۰۰۰۱$). بررسی دقیق‌تر این تفاوت‌ها، با آزمون اثر بین آزمودنی، در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: آزمون اثر بین آزمودنی مربوط به تفاوت میانگین سبک فرزندپروری ادراک شده در دو گروه پژوهشی

Source	متغیر وابسته	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	معنی داری	جذور ضریب ایتا
گروه	آزادی/کنترل	۱	۱۶۴۴/۶۰۰	۶/۷۴۱	۰.۱۰	۰.۴۲
	محبت/ طرد	۱	۱۱۶۲۳/۵۷۶	۲۸/۵۵۳	۰.۰۰۰	۰.۱۵۸

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، هم در متغیر آزادی/ کنترل ($F=۶/۷۴$ ، $P=۰/۰۱$) و هم در متغیر محبت/ طرد ($F=۲۸/۵۵$ ، $P=۰/۰۰۰۱$) تفاوت مشاهده شده معنی‌دار است. به این معنی که فرزندان سالمندان مقیم در نزد خانواده، کنترل کمتر ($۶/۷$ = تفاوت میانگین) و محبت بیشتر ($۱۷/۸۱$ = تفاوت میانگین) دریافت کرده‌اند. در واقع می‌توان گفت که سبک فرزندپروری سهل‌گیر، در این افراد بیشتر وجود داشته است.

همانطور که قبلاً اشاره شد سبک فرزندپروری متقدر و سهل‌گیر بیشترین فراوانی در گروه مقیم در نزد خانواده، و سبک‌های سهل‌انگار و مستبد، بیشترین فراوانی را در گروه مقیم در خانه سالمندان دارد. برای بررسی معنی‌داری تفاوت فراوانی مشاهده شده در سبک‌های فرزندپروری ادراک شده در دو گروه پژوهشی از آزمون χ^2 دو استفاده شد.

جدول ۴: آزمون χ^2 دو برای بررسی معنی‌داری تفاوت فراوانی مشاهده شده در سبک‌های فرزند پروری ادراک شده در دو گروه پژوهشی

معنی داری	درجه آزادی	مقدار
.۰۰۰	۳	۳۰/۷۹۱a
Pearson Chi-Square		

بررسی معنی‌داری این تفاوت با آزمون χ^2 دو در جدول ۴ نشان داد که تفاوت مشاهده شده در سطح $P<۰/۰۰۰۱$ معنی‌دار است.

برای بررسی تفاوت میانگین سبک دلبستگی در دو گروه پژوهشی نیز از آزمون Hotelling's t استفاده شد. پیش از استفاده از این آزمون ابتدا به بررسی پیش‌فرض‌های آزمون مذکور پرداخته شد.

جدول ۵: نتیجه آزمون باکس برای بررسی همگنی ماتریکس واریانس کوواریانس

Box's M	۸.۸۲۹
F	۱.۷۴
درجه آزادی ۱	۶
درجه آزادی ۲	۱۰۵
معنی داری	.۰۸۲

۱۰۲ / مقایسه سبکهای فرزندپروری ادراک شده و دلبستگی در فرزندان سالمندان ساکن در سرای سالمندان و نزد خانواده

نتایج نشان داد که فرض همگنی ماتریکس واریانس کوواریانس و همگنی واریانس خطا زیر سوال نرفته است و می‌توان از آزمون مذکور بهره برد.

جدول ۶: نتایج آزمون Hotelling's t برای بررسی تفاوت میانگین سبک دلبستگی در دو گروه

پژوهشی

Effect	Value	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	معنی داری	مجذر ضریب اپتا
Hotelling's Trace	۰/۰۹۴	۴/۶۷۶۸	۳/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۸۶

نتایج آزمون تحلیل واریانس به روش Hotelling's t در جدول ۶ نشان می‌دهد که بین سبک‌های دلبستگی در دو گروه تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($F_{3,150}=4/67, P=0/004$). بررسی دقیق‌تر این نتایج، با آزمون اثر بین آزمودنی در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷: آزمون اثر بین آزمودنی برای بررسی تفاوت میانگین سبک دلبستگی در دو

گروه پژوهشی

Source	Dependent Variable	Type III Sum of Squares	درجه آزادی	میانگین Square	F	معنی داری	Partial Eta Squared
پژوهشی	ناایمن اجتنابی	۰/۶۵۸	۱	۰/۶۵۸	۰/۰۶۱	۰/۸۰۵	۰/۰۰۰
	ناایمن دوسوگرا	۹۹/۳۷۶	۱	۹۹/۳۷۶	۸/۰۲۰	۰/۰۰۵	۰/۰۵۰
	ایمن	۹۱/۵۳۹	۱	۹۱/۵۳۹	۱۰/۴۹۰	۰/۰۰۱	۰/۰۶۵

همانطور که در جدول ۷ مشخص است، میانگین نمرات سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا ($P=0/005, F=8/02$) و ایمن ($P=0/001, F=10/49$) در دو گروه پژوهشی تفاوت معنی‌داری دارند. به این معنی که، فرزندان سالمندان مقیم در سرای سالمندان، سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا ($1/67$) = تفاوت میانگین) و ایمن ($1/58$ = تفاوت میانگین) بیشتری نسبت به فرزندان سالمندان مقیم در نزد خانواده داشتند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و دلبستگی در فرزندان سالمندان ساکن در سرای سالمندان و نزد خانواده صورت پذیرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد میان سبک‌های فرزندپروری ادراک شده فرزندان سالمندان ساکن در سرای سالمندان و نزد خانواده تفاوت معنادار می‌باشد. سبک‌های فرزندپروری ادراک شده سهل‌گیر و مقتدر بیشتر با حضور والدین سالمند در خانواده و سبک‌های فرزند پروری مستبد و سهل‌انگار (بی‌اعتنا) بیشتر با حضور والدین سالمند در سرای سالمندان مرتبط می‌باشد. این نتایج همسو با مطالعات احمدپور (۱۳۸۹)، کینگ بو و همکاران (۲۰۰۸)، میلینگس و همکارانش (۲۰۱۲)، همچنین پارکن (۲۰۱۱)، دانش و همکاران، (۱۳۸۶)، باباپور و همکاران (۱۳۹۱)، خوئی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲) می‌باشد.

در تبیین نتایج بدست آمده می‌توان به مطالعات بامریند اشاره داشت همانگونه که در بررسی‌های بامریند نیز در مورد سبک‌های فرزندپروری مشخص گردید در سبک‌های فرزندپروری مقتدر و سهل‌گیر، میزان پذیرش که شامل محبت، صرف وقت، گذشت به اندازه از خطاها و... می‌شود بسیار بیشتر از سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و بی‌اعتناست (لورا برک، ترجمه سید محمدی؛ ۱۳۹۰). در نتیجه بدیهی است در صورتی که والدین در هنگامی که فرزندانشان کودک هستند محبت و پذیرش کافی را به آنها ابراز نمایند، در هنگام کهنسالی هم احتمال این که از محبت و پذیرش متقابل فرزندان خود بهره‌مند شوند بسیار بیشتر خواهد بود. پس احتمالاً بتوان گفت کسانی که در دوران کودکی محبت بیشتر و کنترل افراطی کمتری یا به گفته راجرز توجه مثبت بی قید و شرط، از جانب والدین خود دریافت داشته‌اند در جوانی و میانسالی تمایل بیشتری به حضور والدین، در کنار خود دارند.

همچنین در ارتباط با فرضیه دوم یافته‌های پژوهش نشان داد فرزندان سالمندان مقیم در سرای سالمندان نسبت به فرزندان سالمندان نزد خانواده، بیشتر دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن دوسوگرا و دلبستگی ایمن بوده‌اند. که این نتایج نیز همسو با مطالعات رولز، سیمسون و فرالدمن (۲۰۰۶)، احمدپور (۱۳۸۹)، پارکن (۲۰۱۱)، رضازاده و همکاران (۱۳۸۵)، کینگ بو و همکاران (۲۰۰۸)، کیمیایی و گرجیان مهربانی (۱۳۹۱) می‌باشد.

مشاهده سبک دلبستگی ناایمن در فرزندان سالمندان مقیم در سرای سالمندان را می‌توان با استناد به نظریه بالبی تبیین نمود. بالبی معتقد است که الگوهای عملی از دیگران و از خود تعیین کننده اصلی روابط آینده فرد، شخصیت او در بزرگسالی و حتی شیوه‌های رفتاری او در آینده است (خانجانی، ۱۳۸۴). به اعتقاد بالبی در واقع الگوهای عملی از دیگران، تصوراتی است که کودک از ماهیت، خصوصیات، و رفتارهای مورد انتظار اطرافیان و دنیا ساخته است. به وسیله این الگوها فرد

وقایع محیط اطراف خود را درک کرده و آنها را ارزیابی می‌کند، آینده را پیش‌بینی می‌کند، برنامه و طرح‌هایی می‌سازد و انتظارات خود را از پاسخ‌ها و رفتار اطرافیان شکل می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۹۰). لذا با توجه به مطالب مذکور چندان دور از انتظار به نظر نمی‌رسد که فرزندان با سبک دلبستگی نایمن که در کودکی در مورد قابل دسترس بودن و پاسخگو بودن چهره دلبستگی دچار تردید و سردرگمی بودند در تعاملات اجتماعی و روابط نزدیک خود در بزرگسالی نیز تحت تأثیر آن رفتار نمایند و تمایل چندانی به حفظ روابط نزدیک و صمیمانه با والدین خود نداشته باشند.

و اما درخصوص مشاهده سبک دلبستگی ایمن در فرزندان سالمندان مقیم سرای سالمندان، از طرفی می‌توان به پژوهش‌های بین فرهنگی اخیر اشاره داشت که عنوان می‌نماید پیامدهای رفتاری دلبستگی ایمن در جوامع جمع‌گرای شرقی متفاوت با جوامع فردگرای غربی است. در مورد جامعه مورد پژوهش که نواحی خاصی از پایتخت را در ایران شامل می‌شود به نظر می‌رسد دقیقاً گذار سریع از فرهنگ جمع‌گرای شرقی به فردگرای غربی مشاهده می‌شود. به این شکل که در جوامع فردگرا، سبک دلبستگی ایمن، با پی‌جویی اهداف فردی، استقلال و توجه به نیازهای خود، همراه است (لورا برک، ترجمه سیدمحمدی؛ ۱۳۹۰) که می‌تواند باعث شود فرد علی‌رغم داشتن دلبستگی ایمن، پیوندهای محکم خانوادگی را تا حدودی نادیده بگیرد و به دنبال اهداف فردی و توجه به نیازهای خود برآید. در نتیجه تغییر دیدگاه‌های فرهنگی، افزایش تفردگرایی و کاسته شدن میزان تابو بودن و ممانعت فرهنگی در سپردن نگهداری از سالمندان به سرای سالمندان در فضای فرهنگی امروزه تهران از طرفی، و دشواری زندگی به همراه والدین سالمند در حالی که فضای مناسب کافی برای تمامی اعضای خانواده در خانه موجود نمی‌باشد و زن و مرد نیز هر دو شاغل می‌باشند و وقت آزاد چندانی برای نگهداری از سالمند خود ندارند از طرف دیگر موجب شود تا در خانواده‌های ساکن تهران فرزندان با سبک دلبستگی ایمن نیز نگهداری از سالمند خود را به سرای سالمندان بسپارند.

نکته شایان توجه دیگران است که سبک دلبستگی نایمن اجتنابی بر خلاف انتظار، به صورت قابل ملاحظه‌ای در میان فرزندان سالمندان مقیم سرای سالمندان، مشاهده نشد. در این خصوص بررسی این احتمال مطرح است که ممکن است فرزندان دارای سبک دلبستگی نایمن اجتنابی بیشتر در میان آن دسته از فرزندان سالمندان مقیم سرای سالمندان باشند که به هیچ عنوان تمایلی به شرکت در پژوهش نداشتند و یا بعضاً کسانی که دسترسی به آنها مقدور نبود و والدین خود را به سرای سالمندان سپرده و حتی تمایلی به ملاقات دوباره با والدین نداشتند.

در پایان با توجه به این که از سویی پژوهش حاضر تفاوت معناداری را میان سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و دل‌بستگی در فرزندان سالمندان نزد خانواده و ساکن در سرای سالمندان نشان داد، واز سوی دیگر نتایج دیگر پژوهش‌ها بیانگر آن است که سالمندانی که نزد خانواده زندگی می‌نمایند از لحاظ سطح کیفیت زندگی و سلامت جسمی و روانی در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سالمندان ساکن سراهای سالمندان قرار دارند (مختاری، ۱۳۸۹). و همچنین سالمندان نزد خانواده، به جهت برخورداری از پارامترهای مثبت زندگی و حضور شرایط کیفی مطلوب، در مقیاس‌های اختلالات روانی نسبت به سالمندان سرای سالمندان بهتر هستند و از سطح مقاومت بالایی برای کنار آمدن با متغیرهای توانکاه گسترده پیری برخوردارند که یکی از دلایل آن می‌تواند پایین بودن حمایت اجتماعی از سوی خانواده، دوستان و آشنایان در سالمندان ساکن مراکز نگهداری باشد رضایی و منوچهری (۱۳۸۷). لذا می‌توان به این نتیجه رسید که والدین در واقع با اتخاذ شیوه فرزندپروری خود، به نوعی روابط دوران سالمندی خود با فرزندان و شرایط زندگی خود در دوران سالخوردگی را نیز رقم می‌زنند و توجه کافی به فرزندان و پاسخگویی مناسب به آنان در دوران کودکی و نیز اتخاذ شیوه مناسبی از کنترل و پذیرش در روابط والدین با فرزندان در آن دوران سبب می‌شود تا فرزندان نیز در دوران کهولت و سالمندی والدین تمایل بیشتری به پذیرش و نگهداری از والدین در نزد خود داشته باشند که این امر نیز به نوبه خود تأثیری مستقیم بر کیفیت زندگی و سلامت جسمی و روانی سالمندان دارد.

براساس یافته‌های این پژوهش پیشنهادات زیر توصیه می‌شود:

می‌توان نتایج پژوهش را در اختیار سازمان بهزیستی قرار داد تا برنامه‌های مناسبی جهت فرهنگ‌سازی و آموزش شیوه‌های مناسب فرزندپروری در خانواده‌ها اتخاذ نماید و این مهم را برای پرورش نسل‌های آینده در نظر گیرد.

می‌توان از طریق رسانه‌های جمعی نتایج حاصل از پژوهش و اهمیت آن را به اطلاع عموم مردم رساند و توجه آنان را به این نکته جلب نمود که تا چه اندازه افراد با شیوه فرزندپروری و نحوه رفتارشان با فرزندان خود در رابطه دوران سالخوردگی‌شان با فرزندان دخیل هستند و رفتار مناسب و مدبرانه امروز آنان با فرزندان بیمه‌کننده رابطه مناسب دوران سالخوردگی‌شان خواهد بود.

محدودیت‌های پژوهش

در این پژوهش نمونه تنها از میان افراد در دسترس که تمایل به شرکت در پژوهش و تکمیل پرسشنامه‌ها را داشتند تشکیل شده است (که این موضوع خصوصاً در مورد عدم تمایل بسیاری از فرزندان سالمندان مقیم سرای سالمندان جهت تکمیل پرسشنامه‌ها حائز اهمیت است). زیرا این

احتمال وجود دارد که در صورت تکمیل پرسشنامه‌ها توسط تمامی فرزندان سالمندان سرای سالمندان نتایج متفاوتی حاصل آید.

عدم همکاری تعدادی از مراکز خصوصی حتی با وجود داشتن نامه رسمی از اداره بهزیستی (به دلیل خواست فرزندان سالمندان و عدم تمایل آنها به پاسخگویی) موجب شد تا دستیابی به افراد بیشتری از فرزندان سالمندان مقیم سرای سالمندان برای تشکیل نمونه مقدر نگردد. بسیاری از فرزندان سالمندان مقیم در سرای سالمندان به هیچ عنوان حاضر به برقراری ارتباط و همکاری در این پژوهش نبودند و حتی مدیران بعضی از مراکز خصوصی نگهداری از سالمندان منطقه، بنا به درخواست فرزندان سالمندان از حضور هر شخصی به غیر از پرسنل شدیداً ممانعت به عمل می‌آوردند. علی‌رغم انتخاب نمونه هر دو گروه، از یک منطقه جغرافیایی تهران و تلاش فراوان جهت همگن نمودن نمونه دو گروه، باز هم به دلیل محدودیت در نمونه‌گیری، اعضای نمونه از نظر شرایط معیشتی، فرهنگی، سلامت سالمند و... کاملاً همگن نبودند.

پیشنهادات پژوهشی

براساس یافته‌ها و محدودیت این پژوهش، می‌توان پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه داد که با ایجاد پرسش‌های جدید، زمینه پژوهشی تازه‌ای را فراهم آورد:

افزایش تعداد افراد نمونه برای تعمیم‌پذیری بهتر نتایج برای کل جامعه آماری.

در کلان شهر تهران خصوصاً منطقه شمال تهران و شمیرانات، وضعیت زندگی و فرهنگی افراد بسیار متفاوت با شهرستان‌ها و شهرهای کوچک‌تر می‌باشد می‌توان در پژوهش‌های آتی برای بررسی بیشتر، پژوهش‌های مشابهی را در سایر مناطق تهران و نیز سایر شهرستان‌ها و شهرها انجام داد و نتایج این پژوهش را با آنها مقایسه نمود. این احتمال وجود دارد که در محیط‌های کوچک‌تر شرایط فرهنگی و معیشتی افراد موجب به دست آمدن نتایج متفاوتی گردد.

بسیاری از سالمندان نزد خانواده‌های خود زندگی می‌نمایند ولی این مسئله مطرح است که آیا تمامی آنها از زندگی خود در کنار فرزندان رضایت داشته و دارای میزان بالایی از شادکامی و سلامت روانی می‌باشند؟ می‌توان به منظور بررسی این موضوع پژوهشی ترتیب داد و رابطه میزان رضایت از زندگی و شادکامی سالمندانی که نزد خانواده به سر می‌برند با سبک فرزندپروری ادراک شده فرزندان آنها بررسی نمود.

یکی از مسائلی که در سرای سالمندان در زمینه روابط سالمندان و فرزندانشان مطرح می‌باشد این موضوع است که فرزندان برخی از سالمندان مقیم در سرای سالمندان مرتب و با فواصل زمانی اندک به والدین خود سر می‌زنند و از آنان دلجویی می‌نمایند ولی دسته‌ای دیگر با فواصل زمانی بسیار طولانی و فعلاً چندین ماه یک بار برای دیدن والدین خود می‌آیند در پژوهش‌های بعدی محققین می‌تواند به مقایسه بیشتر این دو گروه بپردازند و حتی سلامت روانی و میزان رضایت از زندگی و شادکامی والدین این دو گروه را با هم مقایسه نمایند.

به نظر می‌رسد که رابطه ای میان سبک فرزندپروری ادراک شده و دلبستگی افراد با سبک فرزندپروری آنان وجود داشته باشد به منظور بررسی بیشتر این مسئله نیز می‌توان رابطه سبک فرزندپروری ادراک شده و دلبستگی سالمندان را سبک فرزندپروری آنان بررسی نمود و رابطه آن را با سبک فرزندپروری ادراک شده و دلبستگی فرزندان این سالمندان بررسی نمود.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، محمد اسماعیل. (۱۳۹۰). تدوین و ارائه مدل تحلیلی در مورد رابطه کمالگرایی با سبک دلبستگی، عقاید غیر منطقی و عزت نفس در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۲. احمدپور، مژگان. (۱۳۸۹). بررسی شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با رشد اجتماعی کودکان پیش دبستانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
۳. باباپور خیرالدین، جلیل؛ اسماعیلی انامق بهمن؛ غلامزاده، مجتبی؛ محمدپور، وهاب. (۱۳۸۶). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویتی نوجوانان، روان‌شناسی و علوم تربیتی. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی. شماره ۲۹. صفحه ۱۹۷-۱۷۹
۴. باستانی، سوسن؛ ذکریایی سراجی، فاطمه. (۱۳۹۱). تفاوت‌های جنسیتی در سالمندی: شبکه‌ها و حمایت‌های اجتماعی. مجله مسائل اجتماعی ایران. دوره ۳. شماره ۱. صفحه ۵۷-۳۳
۵. برک، لورا؛ (۱۳۸۳)، روان‌شناسی رشد. ترجمه سید محمدی، سید یحیی. نشر آرسباران. جلد اول
۶. پاکدامن، شهلا؛ خانجانی، مهدی. (۱۳۹۰). نقش فرزندپروری ادراک شده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و جمع‌گرایی در دانشجویان. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، صفحه

۷. پور عبدلی، محمد؛ کدیور، پروین؛ همایونی، علیرضا. (۱۳۸۷). ارتباط شیوه‌های فرزندپروری مادر و فرزندپروری ادراک شده با مکان کنترل و خود پنداره فرزندان. دانش و پژوهش در روان‌شناسی، شماره ۳۷، صفحه ۱۲۸-۱۰۷.
۸. حیدری، محمود؛ دهقانی، محسن؛ خداپناهی، محمدکریم، (۱۳۸۸). بررسی تأثیر شیوه فرزندپروری ادراک شده و جنس بر خود ناتوان‌سازی. مجله خانواده پژوهی سال پنجم، شماره ۱۸
۹. خانجانی، زینب. (۱۳۸۴). تحول و آسیب‌شناسی دلبستگی، تبریز: انتشارات فروزش
۱۰. خوئی نژاد، غلامرضا؛ رجایی، علیرضا؛ محب‌راد، تکتیم. (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، نهم، شماره ۳۴، صفحه ۹۲-۷۵
۱۱. دانش، عصمت؛ تکریمی، زیبا؛ نفیسی، غلامرضا. (۱۳۸۶). نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در میزان افسردگی فرزندان. روان‌شناسی و علوم تربیتی، روان‌شناسی کاربردی، شماره ۲
۱۲. رضازاده، سید محمدرضا؛ دادستان، پریخ؛ اژه‌ای، جواد؛ کیامنش علیرضا. (۱۳۸۵). رابطه سبک‌های دلبستگی و همسازی زناشویی در دانشجویان. روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۴۰، صفحه ۴۶۹-۴۵۸
۱۳. رضایی، سعید؛ منوچهری، مهشید. (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه اختلالات روانی سالمندان ساکن در خانه و سالمندان ساکن در سرای سالمندان در شهر تهران. سال ۳، شماره ۷، صفحه ۲۵-۱۶
۱۴. سهرابی، محمد باقر؛ ذوالفقاری، پونه؛ مهدی زاده، فرزانه؛ آقایان، سید محمد؛ قاسمیان آق مهدی، مجتبی؛ شریعتی، زهرا؛ خسروی احمد. (۱۳۸۷). بررسی مقایسه‌ای وضعیت شناختی و افسردگی سالمندان مقیم سرای سالمندان و ساکن منازل شخصی. مجله دانش و تندرستی، دوره ۳، شماره ۲، صفحه ۳۱-۲۷
۱۵. صادقی، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده و ابعاد بهزیستی روان‌شناختی در سالمندان مرد وزن مراجعه‌کننده به فرهنگسرای سالمندان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
۱۶. کیمیایی، سید علی؛ گرجیان مهربانی، حسن. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین دلبستگی ایمن-ناایمن با شناخت‌های نا کارآمد دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. روان‌شناسی و علوم تربیتی، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، شماره ۳، صفحه ۱۹۶-۱۸۱

۱۷. مختاری، فاطمه؛ قاسمی، نوشاد. (۱۳۸۹)، مقایسه کیفیت زندگی و سلامت روان در سالمندان ساکن/ غیر ساکن سرای سالمندان. مجله سالمندی ایرانسال پنجم، شماره ۱۸، صفحه ۲۷-۲۱
۱۸. مومنی، خدامراد؛ کریمی، حسن. (۱۳۸۹)، مقایسه سلامت عمومی سالمندان مقیم / غیر مقیم سرای سالمندان. مجله سالمند، سال ۵، شماره ۱۷، صفحه ۲۹-۲۳
۱۹. میشار، برایان؛ رایدل، ربرت. ترجمه گنجی، حمزه؛ داوودیان، الما؛ حبیبی، فرنگیس. (۱۳۸۲). روان شناسی بزرگسالان. انتشارات اطلاعات

ب) انگلیسی

1. Darling, N; & Steinberg, L. (1993). *parenting style as context: An integrative model. Journal of psychology Bulltan*, 113-496
2. Millings, Abigail' University of Bristo, UK. Walsh, Judi, University of East, Norwich, Anglia, UK. Hepper, Erica and O'Brien, Margaret 'University of Southampton, UK. (2012) *Responsiveness Mediates the Link Between Romantic Attachment and Parenting Style*
<http://psp.sagepub.com/content/early/2012/12/04/0146167212468333.abstract>
3. Parcon Apryl Mae C, (2011), *The Prediction of Adult Attachment Orientation from Perceived Maternal and Paternal Parenting Characteristics, Philippine Journal of Psychology, Vol 44, No*
4. Qingbo, (2008), *The Effects of Perceived Parenting and Family Functioning on Adult Attachment: A Sample of Japanese University Students, The Open Family Studies Journal*, 1, 1-6
5. Rholes, W.S. Simpson, J.A and Friedman, M. (2006). *Avoidant attachment and the experience of parenting. Peres soc psycho Bull* 32(3):275-285